یکی از ویژگی‌های بارز پیامبر اکرم(ص) به عنوان اسوه حسنه، در دسترس بودن بود. دسترسی به ایشان چنان آسان بود که گاه حتی مورد سوءاستفاده برخی‌ها قرار می‌گرفت و خداوند در آیاتی چند مردم را مورد عتاب قرار می‌دهد که از این ویژگی پیامبر بهره‌برداری سوء نکنند. عالمان و مسئولان نظام اسلامی نیز که بیشترین مسئولیت را در برابر خدا و مردم دارند، بایستی با تأسی به رسول اکرم به‌گونه‌ای رفتار کنند که مردم و مراجعان بتوانند به آسانی و به صورت حضوری و غیرحضوری به آنان دسترسی داشته باشند و مشکل و نیاز خود را طرح کنند. در مطلب حاضر فضیلت در دسترس بودن مسئولان و عالمان و فواید آن مورد بررسی و کنکاش قرار گرفته است.

در دسترس بودن؛ فضیلت و ارزش

* علی جواهردهی

از نظر آموزه‌های قرآنی، مردم باید به آسانی بتوانند به مسئولان نظام اسلامی و عالمان دسترسی داشته و از کارگزاران، حوائج خود را بخواهند و مشکلات و شبهات خودشان‌را حل و فصل کنند.

در کارها و حرکت از او پیشی می‌گرفتند و در نزدش داد می‌زدند و صدای خویش را بلند می‌کردند به‌گونه‌ای که صدای پیامبر(ص) در میان صداها گم می‌شد. (حجرات، آیات ۱ تا۳)

از آنجا که پیامبر، رحمت برای جهانیان بود: و ما أرسلناک الا رحمه للعالمین؛ و تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم (انبیاء، آیه۱۰۷)، حتی با آنکه می‌دانست سخنان بسیاری از آنان خلاف آن چیزی است که در دل دارد، به آن گوش می‌کرد تا حدی که حضرت را حرف‌شنو و ساده‌لوح می‌دانستند؛ زیرا ایشان گوش می‌داد و چون خلاف ظاهری وجود نداشت، به همان ظاهر بسنده می‌کرد؛ چرا که مأمور بود تا به ظواهر حکم و عمل کند. از همین‌رو، می‌فرمود: ای مردم! تنها من در میان شما طبق گواهی گواهان و سوگندها دادرسی می‌کنم و چه‌بسا باشد که برخی از شما از برخی دیگر بهتر دلیل می‌آورد؛ بنابراین، هر فردی که من از مال برادرش چیزی را برای او به واسطه بینه یا سوگند دروغ جدا کنم، تنها برای او با آن قطعه‌ای از آتش جدا کرده‌ام. (کافی (الاسلامیه)، ج۷، ص۴۱۴)

همین ظاهرگرایی، حرف‌شنوی از مردم و زودباوری موجب شد تا برخی‌ها گستاخ شوند و رفتاری نادرست داشته باشند، اما ایشان هرگز تغییر رویه نداد و به سبب به وجود آمدن این مشکلات، سبک زندگی خود را تغییر نداد و دور از دسترس قرار نگرفت؛ اما خداوند به گستاخان هشدار داد که تغییر رویه دهند؛ و از مردمان کسانی هستند که پیامبر را آزار می‌دهند؛ و می‌گویند: او حرف شنو و زودباور است. بگو: گوش خوبی برای شماست؛ به خدا ایمان دارد و سخن مؤمنان را باور می‌کند؛ و برای کسانی از شما که ایمان آورده‌اند، رحمتی است؛ و کسانی که پیامبر خدا را آزار می‌رسانند عذابی پردرد در پیش خواهند داشت. (توبه، آیه ۶۱)

حضرت با مردم در هر حال، نرم برخورد می‌کرد و از هرگونه خشونت بیانی و رفتاری پرهیز داشت و برای دیگران خودش را به رنج می‌افکند تا آنان در آسایش باشند. خداوند می‌فرماید: لقد جاءکم رسول من انفسکم عزیز علیه ما عنتم حریص علیکم بالمومنین رئوف رحیم؛ قطعا برای شما پیامبری از خودتان آمد که بر او دشوار است شما در رنج بیفتید، به هدایت شما حریص و نسبت به مؤمنان دلسوز مهربان است. (توبه، آیه ۱۲۸)

از آنچه درباره زندگی و منش و سبک زندگی پیامبر بیان شد روشن می‌گردد که آن حضرت علی‌رغم عظمت روحی و بلندی جایگاه مقام معنوی درنزد خدا و با وجود داشتن رسالت و نبوت آسمانی، همچون یک فرد عادی همیشه در اختیار و در دسترس مسلمانان و مومنان بود و به عنوان پیامبر خدا، خود را وقف رسیدگی به امور مردم کرده و هیچ‌گاه برای خود حاجب و دربان و اسکورت و محافظ و این‌گونه موانع معین نکرده بود.

ضرورت در دسترس بودن مسئولان نظام اسلامی

از نظر آموزه‌های قرآنی، مردم باید به آسانی بتوانند به مسئولان نظام اسلامی و عالمان دسترسی داشته و از کارگزاران، حوائج خود را بخواهند و مشکلات و شبهات خودشان را حل و فصل کنند.

خداوند در آیات قرآن به امت اسلام فرمان می‌دهد تا در هر امری به عالمان و راسخان در علم مراجعه کنند که در ساختار نظام سیاسی ولایی در جایگاه بلندی قرار دارند. اینکه از مردم خواسته شده تا از اهل ذکر و عالمان بپرسند، به طور طبیعی باید بر عالمان فرض و واجب باشد که خود را در اختیار مردم قرار داده و دسترسی آسان برای پرسش و پاسخ شنیدن را فراهم آورند. خداوند می‌فرماید: فاسألوا اهل الذکر ان کنت لا تعلمون؛ اگر نمی‌دانید از اهل ذکر بپرسید. (انبیاء، آیه ۷؛ نحل، آیه ۴۳) لازمه اجرای چنین دستور خداوند، در دسترس بودن اهل ذکر می‌باشد.

امام صادق(ع) درباره تعهدات عالمان نسبت به جاهلان می‌فرماید: ان‌الله لم یاخذ علی‌الجهال عهدا بطلب العلم حتی اخذ علی العلماء عهدا ببذل العلم للجهال، لان العلم کان قبل الجهل؛ خداوند از نادانان پیمان نگرفته که دانش بیاموزند، تا آنکه از عالمان پیمان گرفته که به نادانان بیاموزند، زیرا دانش، پیش از نادانی بود. (کافی، الاسلامیه، ج ۱، ص ۴۱)

همچنین به شکل خاص درباره مسئولیت سنگین رهبران نظام سیاسی ولایی درباره پاسخگویی و حل مشکلات جامعه و شبهات و شایعات می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را نیز اطاعت کنید! پس هرگاه در امری اختلاف نظر یافتید، اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید، آن را به خدا و پیامبرش عرضه بدارید. این بهتر و نیک‌فرجام‌تر است. (نساء، آیه ۵۹) پس اگر در نظام اسلامی بر مردم است تا امور اختلافی را به رهبران ارجاع دهند و مسئله را حل و فصل نمایند، بر مسئولان و دولتمردان نیز فرض است تا همواره در خدمت مردم باشند و تعلل و کوتاهی در پاسخگویی و شفاف‌سازی نداشته باشند؛ زیرا هر گونه قصور در این زمینه موجب افزایش اختلاف و دامن‌زدن به آن است.

امیرمومنان علی(ع) به مالک اشتر فرماندار خویش در مصر درباره دسترسی آسان مردم به مسئولان و رهبران می‌نویسد: «فلا تطولن احتجابک عن رعیتک، فان احتجاب الولاه عن الرعیه شعبه من الضیق و قله علم بالامور؛ پنهان ماندن خود از مردم را طولانی مساز، چرا که دور از دسترس بودن والیان، نوعی فشار و تنگنا بر مردم است و موجب کم‌اطلاعی از کارها می‌شود. (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳، بند ۱۲۱)

بنابراین دسترسی مردم به مسئولان امر، باید بسیار آسان باشد و هیچ حاجب، دربان، مسئول دفتر و منشی که مانع جدی در ارتباط میان مردم و مسئولان باشد، نباید به عنوان دیواری میان مردم و مسئولان پدید آورد و ایشان را از حق طبیعی

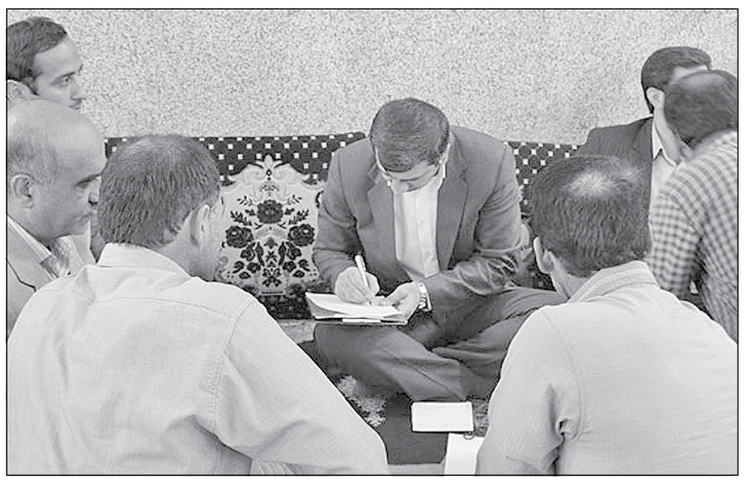

امیرمومنان علی(ع) به مالک اشتر فرماندار خویش در مصر درباره دسترسی آسان مردم به مسئولان و رهبران می‌نویسد:پنهان ماندن خود از مردم را طولانی مساز، چرا که دور از دسترس بودن والیان، نوعی فشار و تنگنا بر مردم است و موجب کم‌اطلاعی از کارها می‌شود.

مردم با پیامبر همچون یکی از خود برخورد می‌کردند و معاشرت می‌ورزیدند، بلکه به سبب نرم‌خویی و رقت‌قلب پیامبر(ص)، مردم با ایشان خیلی راحت‌تر از دیگران برخورد کرده و حتی گاه ادب را کنار گذاشته و بی‌ادبی می‌کردند و ایشان را به نام می‌خواندند و یا با صدای بلند از بیرون خانه، ایشان را می‌طلبیدند.

محروم کند. البته نظم دادن به امور و تعیین وقت ملاقات برای اینکه امور سامان یابد، مطلب دیگری است که در جای خود لازم است؛ ولی نباید این نظم‌بخشی، به حق‌خوری تبدیل شود و حق مردم از ارتباط با مسئولان این‌گونه تضییع گردد.

به سخن دیگر، گرچه وجود منشی و نظم برای تنظیم امور و ملاقات‌ها و برنامه‌ها لازم است، ولی نباید فاصله ایجاد کند و احتجاب و در پرده‌بودن مسئول، طول بکشد به طوری که مردم از ارتباط آسان محروم شوند و نتوانند امور خویش را با او در میان بگذارند.

از نظر امام علی(ع) پوشیده ماندن مسئولان و عالمان از مردم سبب می‌شود تا از امور بی‌خبر بمانند، در نتیجه کار بزرگ نزدشان کوچک جلوه می‌کند و کار کوچک به نظرشان بزرگ می‌آید، چنانکه این امر موجب می‌شود تا خوب، بد جلوه کند و زشت، نیکو دیده شود. پس حق و باطل به هم آمیخته شده و فتنه‌ها در امور پیش آید و جامعه از شفافیت به کدورت و تیرگی در روابط میان مردم و مسئولان و عالمان کشیده شود.

اصولا نظام اسلامی و رهبران امت از عالمان و عاملان، کارگزاران الهی برای ایجاد عدالت هستند و از ملزومات برقراری عدالت در جامعه این است که مردم به حکام و کارگزاران خود دسترسی آسان داشته باشند تا بتوانند به راحتی مشکلات خود را با آنان در میان بگذارند و در کار حکومت مشارکت فعال داشته باشند و به عنوان نصیحت، در امور به شکل جزیی دخالت نمایند؛ از همین رو امیرمومنان علی(ع) می‌فرماید: هیچ‌گاه خود را فراوان از مردم پنهان مدار که پنهان بودن رهبران، نمونه‌ای از تنگ‌خویی و کم‌اطلاعی در امور جامعه است؛ پنهان شدن از رعیت، زمامداران را از داشتن آنچه بر آنان پوشیده است باز می‌دارد. پس گاه بزرگ، اندک و گاه اندک، بزرگ جلوه می‌کند... همانا زمامدار آنچه را که مردم از او پوشیده دارند نمی‌داند و حق را نیز نشانه‌ای نباشد تا با آن راست از دروغ شناخته شود. (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳)

حاکمان و عالمان از ارتباط با مردم سود بیشتری می‌برند؛ چرا که نسبت به امور جامعه شناخت پیدا کرده و افکار و عقاید و نیز رفتار مردم را دانسته و مشکلات آنها را خواهند شناخت.و از بحران‌ها و ریشه‌های اختلافات آگاه شده و می‌توانند با این آگاهی، بهتر جامعه و امت را مدیریت کرده و نظام سیاسی را در مسیر درست و سازنده قرار دهند. عالمان نسبت به موضوعات و موارد و مصادیق آن آگاه شده و برای حل مسئله از آن به بهترین شکل می‌توانند بهره برند.

توجه به مردم و کارهای آنان، موجب برکت در کارها و محبوبیت در میان آنان می‌شود.

مسئول یا عالمی که سهل‌الوصول است و مردم به راحتی و هر زمان که بخواهند به او دسترسی دارند، همواره دعای خیر آنان را برای خود کسب می‌کنند و همین دعاها و ذکر خیرها موجب برکت در زندگی و امور آنان می‌شود.

مردم با پیامبر همچون یکی از خود برخورد می‌کردند و معاشرت می‌ورزیدند، بلکه به سبب نرم‌خویی و رقت‌قلب پیامبر(ص)، مردم با ایشان خیلی راحت‌تر از دیگران برخورد کرده و حتی گاه ادب را کنار گذاشته و بی‌ادبی می‌کردند و ایشان را به نام می‌خواندند و یا با صدای بلند از بیرون خانه، ایشان را می‌طلبیدند.

همچنین رفتار مردم نباید به گونه‌ای باشد که موجب رنجش شود. خدا می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! داخل اتاق‌های پیامبر مشوید، مگر آنکه برای خوردن طعامی به شما اجازه داده شود، آن هم بی‌آنکه در انتظار پخته شدن آن باشید؛ ولی هنگامی که دعوت شدید، داخل شوید، و وقتی غذا خوردید، پراکنده گردید، بی‌آنکه سرگرم سخنی شوید. این رفتار شما پیامبر را می‌رنجاند؛ ولی از شما شرم می‌دارد، و حال آنکه خدا از حق‌گویی شرم نمی‌کند، و چون از زنان پیامبر چیزی خواستید از پشت پرده از آنان بخواهید، این برای دلهای شما و دلهای آنان پاکیزه‌تر است؛ و شما حق ندارید رسول خدا را برنجانید و مطلقا نباید زنانش را پس از مرگ او به نکاح خود درآورید؛ چرا که این کار نزد خدا همواره گناهی بزرگ است. (احزاب، آیه ۵۳)

پس ارتباط با مسئولان و عالمان نه‌تنها نباید موجب رنجش و اذیت و آزار آنان شود، بلکه نباید به گونه‌ای رفتار شود که خانواده آنها نیز در تنگنا قرار گیرند و با تماس‌ها و زنگ‌زدن‌های بی‌وقت و بی‌موقع آسایش اطرافیان عالمان و مسئولان را سلب کرد.

درباره آیت‌الله حسنعلی نخودکی نقل است که ایشان بطور شبانه‌روزی در خدمت مراجعان بود و نیازمندان و حاجتمندان و گرفتاران، هر زمان که اراده می‌کردند به در خانه شیخ می‌آمدند و ایشان با روی گشاده مشکلشان را حل می‌کرد. این مراجعات گاه حتی در نیمه‌های شب نیز انجام می‌شد تا جایی که فرزندشان یک بار به پدر پیشنهاد می‌کند که برای مردم ساعات کار مشخص کنند تا مردم در آن ساعات معین مراجعه کنند، ایشان اما مخالفت می‌کنند و می‌گویند بگذار مردم هر زمان که خواستند بیایند.

مسئولان نظام اسلامی و نیز عالمان باید الگوی خود را خدا و رسول و ائمه(ع) قرار دهند و به خداوند تأسی کنند که: لا یشغله شأن عن شأن (کاری او را از کار دیگر باز نمی‌دارد) و لا یبرمه الحاح‌الملحین (اصرار اصرارکنندگان او را از پای در نمی‌آورد).

و نیز با الگو قرار دادن پیامبراکرم و امامان معصوم(علیهم‌السلام) خود را شبانه‌روز وقف پاسخگویی به مردم کنند. همچنانکه آن بزرگواران وقت و بی‌وقت در خدمت مراجعان بودند و با روی باز از ارباب رجوع و صاحبان حوائج استقبال می‌کردند.

در منابع تاریخی و داستان‌های زندگی عالمان اسلامی نیز مطالب بسیاری درباره سعه صدر و حلم آنان نسبت به پاسخگویی و دسترسی آسان مردم به ایشان نقل شده است.

نقل است که روزی از آیت‌الله محمدحسن نجفی، فقیه نامدار شیعه، معروف به صاحب جواهر که مؤلف کتاب گرانسنگ جواهرالکلام است سؤال می‌کنند که اگر خداوند به شما اطلاع دهد که از عمر شما جز چند ساعت باقی نمانده، این ساعات پایانی عمر را صرف چه کار می‌کنید؟ ایشان در جواب می‌فرماید: این چند ساعت عمرم را صرف خدمت به خلق و گره‌گشائی از مردم می‌کنم و اگر دیدم که کاری نمی‌توانم برای کسی انجام دهم می‌روم جلوی در خانه‌ام می‌نشینم تا شاید کسی به من مراجعه کند و بگوید حاج‌آقا برایم استخاره‌ای بگیرید.

درباره آیت‌الله حسنعلی نخودکی می‌گویند که ایشان بطور شبانه‌روزی در خدمت مراجعان بود و نیازمندان و حاجتمندان و گرفتاران، هر زمان که اراده می‌کردند به در خانه شیخ می‌آمدند و ایشان با روی گشاده مشکلشان را حل می‌کرد. این مراجعات گاه حتی در نیمه‌های شب نیز انجام می‌شد تا جایی که فرزندشان یک بار به پدر پیشنهاد می‌کند که برای مردم ساعات کار مشخص کنند تا مردم در آن ساعات معین مراجعه کنند، ایشان اما مخالفت می‌کنند و می‌گویند بگذار مردم هر زمان که خواستند بیایند.

در عصر حاضر که دوران شبهه‌افکنی‌های فراوان ابلیس و ابلیسیان در امور عقیدتی و دینی است بر عالمان اسلامی است که بیشتر از گذشته در دسترس مردم باشند تا کسانی که سؤال و مشکلی در زمینه‌های اعتقادی و مذهبی و سایر زمینه‌ها دارند بتوانند با یک تماس و یا با یک بار مراجعه مشکلشان را حل کنند و به گفته حجت‌الاسلام قرائتی هر فردی باید تلفن یک اسلام‌شناس را به همراه داشته باشد تا هر زمان برایش شبهه و سؤالی پیش آمد بتواند با او ارتباط برقرار کند.

وظایف مردم در قبال مسئولان

حق متقابل امام و امت و نیز وظایف متقابل هر یک نسبت به دیگری امری است که بارها در آیات و روایات بیان شده است. از جمله امیرمؤمنان علی(ع) می‌فرماید: بزرگترین حقی که خداوند قرار داده و واجب ساخته، حق حاکم بر مردم و مردم بر حاکم است، فریضه ای است که خداوند بر گردن هر کدام در مقابل دیگری قرار داده و آن را سبب سامان‌بخشی الفت و همبستگی ایشان و عزت دینشان قرار داده است. (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۱۶)

پس همان‌طوری که بر مسئولان و عالمان است تا دسترسی آسان را برای مردم فراهم آورند، بر مردم است تا حقوق طبیعی مسئولان و عالمان را نیز مراعات کنند و برای آنان تضییقاتی فراهم نکنند که زندگی بر آنان سخت‌تر شود. البته مسئولیت به طور طبیعی، محدودیت‌هایی برای آنان ایجاد کرده و زندگی را برایشان سخت و دشوار می‌کند؛ اما نباید این سختی از سوی مردم به سبب رفتارهای نادرست و بی‌ادبانه افزایش یابد.

در آیات قرآن مسئولیت مردم در برابر رهبران و مسئولان و عالمان به خوبی ترسیم شده و در برابر دسترسی آسان برای مردم، محدودیت‌هایی نیز بیان شده که باید در قالب ادب اجتماعی و معاشرت به کار گیرند. از جمله خداوند می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید در برابر خدا و پیامبرش در هیچ کاری پیشی مجویید و از خدا پروا بدارید که خدا شنوای داناست. ای کسانی که ایمان آورده‌اید صدایتان را بلندتر از صدای پیامبر مکنید و همچنانکه بعضی از شما با بعضی دیگر بلند سخن می‌گویید با او به صدای بلند سخن مگویید مبادا بی‌آنکه بدانید، کرده‌هایتان تباه شود؛ کسانی که پیش پیامبر خدا صدایشان را فرو می‌کشند همان کسانند که خدا دلهایشان را برای پرهیزگاری امتحان کرده است، آنان را آمرزش و پاداشی بزرگ است، کسانی که تو را از پشت اتاق‌های مسکونی تو به فریاد می‌خوانند بیشترشان نمی‌فهمند. (حجرات، آیات ۱ تا ۴)

درباره آیت‌الله حسنعلی نخودکی نقل است که ایشان بطور شبانه‌روزی در خدمت مراجعان بود و نیازمندان و حاجتمندان و گرفتاران، هر زمان که اراده می‌کردند به در خانه شیخ می‌آمدند و ایشان با روی گشاده مشکلشان را حل می‌کرد. این مراجعات گاه حتی در نیمه‌های شب نیز انجام می‌شد تا جایی که فرزندشان یک بار به پدر پیشنهاد می‌کند که برای مردم ساعات کار مشخص کنند تا مردم در آن ساعات معین مراجعه کنند، ایشان اما مخالفت می‌کنند و می‌گویند بگذار مردم هر زمان که خواستند بیایند.

ارزش اعمال صالح عالمانه

در آیات و روایات بر علم و معرفت بسیار تاکید شده است تا جایی که بیان کرده‌اند هر عملی با علم همراه باشد ارزش بیشتر یافته و ثواب و پاداش آن فزونتر است.

شاید بهترین شاهد مثال در این باره همان داستان عابد و زاهد در جزیره است. علی‌بی محمدبن‌عبدالله از ابراهیم بن اسحاق از محمد بن سلیمان دیلمی و او از پدرش نقل می‌کند که : به امام صادق (ع) عرض کردم: فلانی در عبادت، دیانت و فضیلت چنین و چنان است.

فرمود: عقلش چگونه است؟

گفتم: نمی‌دانم.

فرمود: پاداش به اندازه عقل است. مردی از بنی‌اسرائیل در یکی از جزایر دریا که سبز و خرم و پر آب و درخت بود عبادت خدا می‌کرد، یکی از فرشتگان از آنجا گذشت و عرض کرد: پروردگارا! مقدار پاداش این بنده‌ات را به من بنما. خداوند به او نشان داد و او آن مقدار را کوچک شمرد. خدا به او وحی کرد: همراه او باش.

آن فرشته به صورت انسانی نزد او آمد. عابد گفت: تو کیستی؟

گفت مردی عابدم، چون از مقام و عبادت تودر این مکان آگاه شدم نزد تو آمدم تا با تو عبادت خدا کنم. فرشته آن روز را با او بود، چون صبح شد فرشته به او گفت: جای پاکیزه‌ای داری، فقط برای عبادت خوب است.

عابد گفت: اینجا یک عیب دارد.

فرشته گفت: چه عیبی؟

عابد گفت: خدای ما چهارپائی ندارد؛ اگر او خری می‌داشت در اینجا می‌چرانیدمش، براستی این علفها از بین می‌رود!

فرشته گفت: پروردگار که خر ندارد!

عابد گفت: اگر خری می‌داشت چنین علفی تباه نمی‌شد.

خدا به فرشته وحی کرد: همانا او را به اندازه عقلش پاداش می‌دهم. (اصول کافی ، ج ۱ ص۱۲)

هر چند از نظر اسلام آنچه موجب ارزش انسان می‌شود دستیابی به تقوا از طریق عبودیت(بقره، آیه ۲۱) و تزکیه نفس به کمک کتاب الله و عترت طاهره(بقره، آیه ۱۲۹؛ آل عمران ۱۶۴؛ جمعه، آیه ۲) است، ولی این تزکیه نیازمند تعلیم خدا و پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) است. به این معنا که تعلیم آنان و تعلم ما مقدم بر تزکیه آنان و خودسازی ماست.

از همین رو در آیات قرآن همواره بر ارزش علم تاکید ویژه‌ای شده و درباره نسبت ارزشی هر عبادتی با علم آن بارها سخن به میان آمده است. از جمله این آیات می‌توان به آیه ۹ سوره زمر اشاره کرد. خداوند می‌فرماید: أَمَّنْ هُوَ قَانِتٌ آنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُو رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبَابِ؛ آیا چنین کسی بهتر است یا آن کسی که او در طول شب در سجده و قیام اطاعت خدا می‌کند و از آخرت می‌ترسد و رحمت پروردگارش را امید دارد؟ بگو: «آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟» تنها خردمندانند که پندپذیرند.

پس تزکیه به عنوان هدف ارزش دارد، اما این نیازمند علم و تعلمی است که به این تزکیه معنا و مفهوم دیگری می‌بخشد. از همین رو در آیه تزکیه به عنوان هدف مقدم می‌شود ولی ارتباط خودش را با علم حفظ می‌کند. خداوند در آیه فوق بیان می‌کند که تزکیه زمانی ارزش می‌یابد که با علم همراه باشد. لذا نادان و غیر عالم را در سطح عالم قرار نمی‌دهد و این گونه به نماز شبی که اهل تزکیه با علم به جا می‌آورند بهایی خاص می‌بخشد و ارزش آن را این‌گونه آشکار می‌سازد. امام صادق(ع) در روایتی بر این اصل تاکید می‌کند که آن عالِم نماز شب‌خوان بهتر است از نماز شب خوان بدون علم. (نگاه کنید: وسایل‌الشیعه، آل البیت، ج ۸، ص ۱۵۶، حدیث ۳۲) در این آیه و روایت سخن از این نیست که عالم و دانا خوب است، بلکه عالم و دانایی خوب است که عمل صالح چون نماز شب داشته باشد؛ اما اگر عالم باشد و عمل صالح نداشته باشد چنین عالمی خوب نیست.

اما اگر عالم نباشد ولی اهل تزکیه باشد و نماز شب بخواند، چنین کسی قدر و منزلتش بیشتر از عالم بی‌نماز است؛ زیرا از نظر اسلام تزکیه هدف است و علم مقدمه است. پس کسی که مقدمه را داشته باشد و کاری به ذی مقدمه و هدف نداشته باشد ارزشی ندارد، از این رو علم بی‌عمل بی‌فایده است، اما اگر کسی ذی مقدمه را بیاورد هر چند ناقص و بدون علم باشد، آن بهتر و برتر خواهد بود؛ زیرا عمل صالح را دارد هر چند بی‌علم باشد. در حقیقت آیه ۹ سوره زمر، هم ارزش علم و تزکیه را بیان می‌کند و هم می‌گوید که هدف از علم تزکیه است و اگر علم بی‌عمل باشد بی‌ارزش خواهد بود، اما عمل صالح بی‌عمل ارزش خود را هر چند کم خواهد داشت.

نماز؛ وقت زیارت خدا

نمازستون دین است. هر چه درباره نماز گفته شود کم است؛ زیرا اوج عبودیت و بندگی و معراج مومن و مایه تقرب هر متقی است. اگر هر عمل صالح عبادی موجب تقرب به خدا است، نماز به دلیل اذکار و اعمال قلبی و جوانحی و جوارحی، حضور کامل و مطلق بنده در پیشگاه خدای مالک غنی حمید است.

هر سخن و عملی که در نماز به جا می‌آوریم، مفاهیم و معارف بسیاری را با خود دارا است. پیامبر(ص) و پیشوایان معصوم دین اسلام(ع) به عنوان تبیین‌کنندگان علمی و عملی، هم به توضیح و شرح قرآن و آموزه‌های وحیانی آن پرداخته‌اند و هم در عمل نشان داده‌اند که چگونه با پیروی و اسوه حسنه قراردادن آنان به این حقایق و معارف دست یابیم و به شکل علم حضوری و شهودی آن را درک کنیم.

اگر خداوند درباره پیامبرش می‌فرماید: وَأَنزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ؛ ما قرآن را به عنوان ذکر به سوی تو یکباره فروفرستادیم تا برای مردم اندک اندک آنچه نازل شده را تبیین کنی(نحل، آیه ۴۴) آن حضرت(ص) و نفس ایشان(آل عمران، آیه ۳۱) و دیگر معصومان(احزاب، آیه ۳۳) به عنوان راسخون در علم (آل عمران، آیه ۷) و اهل ذکر و مانند آن به تبیین علمی و عملی آن پرداختند و این گونه حقایق و معارف قرآنی برای ما آشکار شد.

ما مسلمانان بر اساس دستور خداوند (حشر، آیه۷) باید به هر آنچه پیامبر(ص) و امامان در چارچوب تبیین علمی و عملی قرآن می‌گویند، عمل کنیم و اطاعت نماییم و آن را به عنوان علم و عمل مورد توجه قرار دهیم. پس اگر تفسیری در عمل داشتند و گفتند: «صلّوا کما رأیتمونی اُصلّی؛ چنانکه من نماز می‌خوانم و شما می‌بینید، نماز بخوانید»، یا گفتند:«خذوا عنّی مناسککم؛ مناسک حج را از من بیاموزید و بگیرید»، باید تفسیر علمی آنان را بپذیریم و بر اساس آن، فکر و عمل خودمان را سامان دهیم.

امام صادق(ع) در مقام تفسیر اصطلاحات نماز از جمله اذان و اقامه ، مطالب بسیار والا و عمیق و بلندی گفته‌اند که باید مورد توجه قرار گیرد: أن الصادق(ع) سئل عن معنی «حی علی خیرالعمل» فقال خیر العمل الولایة، وفی خبر آخر خیرالعمل بر فاطمة وولدها (ع)؛ از امام صادق(ع) در مورد معنی حی علی خیر العمل، به سوی بهترین کارها بشتابید، پرسیده شد، حضرت فرمود: بهترین کار همان ولایت است و در خبر دیگری می‌فرماید: بهترین عمل، نیکی به فاطمه و فرزندان معصومش است. (بحارالانوار، ج۸۴، ص ۱۳۴)

آن حضرت(ع) درباره معنا و مفهوم قد قامت الصلاة نیز می‌فرماید: ومعنی «قد قامت الصلاة» فی الاقامة أی حان وقت الزیارة و المناجاة ، و قضاء الحوائج، و درک المنی و الوصول إلی‌الله عزوجل و إلی کرامته و غفرانه وعفوه و رضوانه؛ معنای قد قامت الصلاة، به تحقیق نماز برپا شد؛ یعنی زمان زیارت و مناجات و برآورده شدن حوائج و درک آرزوها و وصول به سوی خدای عزو جل و کرامت و آمرزش و گذشت و رضوان الهی فرا رسید. (بحارالانوار، ج ۸۴، ص۱۳۴)

پس زمان نماز، همان زمان زیارت خدای عزوجل است که باید انسان خود را به بهترین‌ها بویژه آرایه‌های اخلاقی در کنار آرایه‌های ظاهری بیاراید و با سیرت و صورت نیک در پیشگاه خداوند حضور یابد. (اعراف، آیه ۳۱)

چراغ راه

منشأ نفاق

قال‌النبی(ص): «حب‌المال و الشرف ینبتان النفاق فی‌القلب کما ینبت الماء البقل»

پیامبر اکرم(ص) فرمود: دوستی مال و برتری‌جویی، نفاق را در قلب انسان می‌رویاند، همچنان که آب گیاه را می‌رویاند. (۱)

۱- جامع‌السعادات، ج۲، ص۴۶

حکایت خوبان

مذمت غرور و خودبرتربینی

مدتی در حضور رسول خدا(ص) از یکی از اصحاب تعریف وتمجید می‌کردند. تا اینکه روزی همان شخص را به حضرت نشان دادند و گفتند، او را که تعریف می‌کردیم همین شخص است. پیامبر(ص) به چهره او نگاه کرد و فرمود: نوعی سیاهی مربوط به شیطان در چهره او می‌بینم. او نزدیک آمد و سلام کرد. حضرت فرمود: تو را به خدا سوگند می‌دهم؛ آیا پیش خود نگفتی، بهتر از من در میان اصحاب، کسی نیست؟ گفت: چرا، همین فکر را کردم. به این ترتیب پیامبر(ص) با چشم بصیرت نشانه غرور قلبی و خودپسندی او را متذکر شد.(۱)

۱- یکصد موضوع ۵۰۰ داستان، سیدعلی اکبر صداقت، ص ۳۸۶

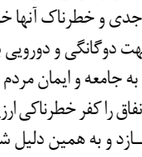

پرسش و پاسخ

رابطه جریان نفاق با دین

پرسش:

از منظر قرآن چه اشخاص و یا جریانی از دین اسلام، استفاده ابزاری می‌کنند و آن را در جهت اهداف غیرالهی خود بکار می‌گیرند؟

پاسخ:

در بخش نخست پاسخ به این سؤال ضمن تأکید بر اینکه جریان نفاق پیچیده‌ترین و خطرناک‌ترین جریان در جامعه اسلامی است و مهم‌ترین ویژگی منافقان استفاده ابزاری از دین اسلام است به مفهوم و زمینه‌های پیدایی نفاق پرداختیم. اینک در ادامه دنباله بحث را پی می‌گیریم.

۲- راه‌های شناخت منافقان

تنها راه شناسایی و درگیری منافقان دقت و تأمل در رفتارها و گرایش‌های آنان است که با اصول اسلامی و ایمانی در تضاد است. برای شناخت منافقان در هر جامعه‌ای بازخوانی روش تحلیل و شناسایی آنان که در قرآن به کار رفته است می‌تواند بسیار مفید و سازنده باشد. از این روست که در اینجا به تحلیل قرآن به عنوان یک روش توجه می‌شود تا بر اساس آن در جامعه امروز نیز بتوان منافقان را از شهروندان مومن بازشناخت.

قرآن در آیات نخست سوره بقره به تحلیل رفتارها و منش‌ها و کنش‌ها و حتی عقاید ایشان می‌پردازد تا مومنان نسبت به منافقان و جریان نفاق با آگاهی و اطلاع بیشتری برخورد کنند و از آسیب‌های جدی و خطرناک آنها خود و جامعه ایمانی را حفظ کنند، زیرا جریان نفاق به جهت دوگانگی و دورویی بدتر از کافران و مشرکان هستند و ضربه‌هایی که ایشان به جامعه و ایمان مردم وارد می‌سازند سخت‌تر و جانکاه‌تر است. از این رو خداوند نفاق را کفر خطرناکی ارزیابی می‌کند که از درون جامعه بر آن خنجر وارد می‌سازد و به همین دلیل شدت تهدید خداوند نسبت به آنان بیشتر از تهدید کافران است. خداوند می‌فرماید که منافقان به جهت کفر نفاق خویش در پایین‌ترین درجات دوزخ خواهند بود و درک الاسفل مکانی است که خداوند برای منافقان فراهم آورده است.

خداوند در سوره بقره مردم را به سه دسته تقسیم می‌کند. نخست به افراد مومن و یا متقی‌ای اشاره می‌کند که به جهت سلامت فطرت خویش از این آمادگی برخوردارند که ایمان واقعی را کسب کنند و از هدایت کتاب الهی بهره بگیرند. دسته دوم کافرانی هستند که به جهت فساد فطرت و از دست دادن سلامت فطری خویش از تقوای هنجاری دور شده‌اند و هرگونه تهدید و تشویقی آنان را به راه نمی‌آورد.

دسته سوم، بخش دیگری از جامعه و شهروندان اسلام وجود دارد که از آنان به عنوان منافقان یاد می‌کند و درباره ایشان در حوزه اعتقادی می‌فرماید: و من الناس من یقول آمنا بالله و بالیوم الاخر و ما هم بمومنین یخادعون الله و الذین آمنوا و ما یخدعون الا انفسهم و ما یشعرون؛ برخی از مردمان کسانی هستند که می‌گویند به خدا و روز آخرت ایمان داریم در حالی که مومن نیستند آنان می‌خواهند با این کار خدا و مومنان را بفریبند و خدعه و نیرنگ بزنند ولی آنان تنها خودشان را می‌فریبند و به این مطلب آگاه نیستند. (بقره آیه ۸ و ۹)

۳- منافقان و محافل سری

در آیات سوره مجادله به حرکت‌های زیرزمینی آنان و برگزاری محافل سری توطئه اشاره می‌کند. در این آیات به خوبی و روشنی تبیین می‌شود که اهل نفاق، انسان‌هایی محفلی هستند و از توده مردم دور بوده و همواره فعالیت‌ها و نقشه‌ها و برنامه‌های خویش را در محافل و از راه آن پیش‌می‌برند. این گونه است که قرآن آنان را اهل نجوا معرفی می‌کند. نجواگرایان کسانی هستند که برای توطئه در محافل خاصی گرد می‌آیند. قرآن در گزارشی که از محتوای نجوای آنان در محافل سری و زیرزمینی می‌دهد مشخص می‌کند که این محافل برای تعالی و تکامل جامعه و یا برای افزایش هنجارهای اجتماعی نیست بلکه همواره در این محافل سری توطئه می‌شود که چگونه حدود الهی دور زده شود و قوانین نقض و زیر پا گذاشته شود و یا چگونه با رهبری جامعه می‌توانند مبارزه کنند.

خدا